



از خبرگزاری پارس

۱۹ شهریور - سپتامبر

فرمان استالین به عاستن تصرف

سومی - فرمان فرمادنده عالی کل فوا

یاک چر فال ارتش - واقعی

امروز ۲ سپتامبر نیروهای بیمه

وارث در تیمه نیزد شور (سومی)

دا که مرکز ایستان ممکن او کراین است

پس گرفتند.

در نیرهایک برای آزاد کردن

شهر سوم اشغالشان آنلای صل

ی امداد سپاهیان چر فال استانی سیوف

و مخصوصاً لشکر ۳۵ نید. انداز

مر هنک زیاره ایشان رکورد شر

اداز ۷۶ نیز مازور ملیکوف و لشکر

داری موسوی ایشان تویف شده

۲۳۲ نیز انداز چر فال مازور دلیین

ابراز لیاقت و شجاعت شده اند

با خانهاین موقتی های پست آمده

به شکر های تیادن ۳۴۰ داده شود و از این پس

لشکر ۳۴۰ تیادن از سومی

لشکر ۶۷ تیادن از سومی

لشکر ۲۳۲ تیادن از سومی نامیده

دویز ۲ سپتامبر سامت ۰ پا یافت

نیروی ایشان میزدگر کردیده

ایشان مامور آنلای نیزد شد

۱۶۷ و ۳۴۰ سومی

لشکر ۲۳۲ تیادن از سومی

دویز ۱۶۷ تیادن از سومی

دویز ۲۳۲ تیادن از سومی

دویز ما - مسکو پیام مین به انتشار

نیرو های شیخ ما که شهر سومی را

آزاد کردند پواسه نیزه شر

۱۲ قرقش شلیک

در پیغام میزدگر کردیده

تم نیرو های تیادن که در زیره داد

چنگی های ایشان که در ایشان

از آنست که داده چنگی که خاور

دریای مدیرانه را تهدید کردیسو

مر که قاره اروپا کشانیده شد

شهر جاوید پاد پهنه مانانی که

در راه آزادی میهن ما چان سپردند

مرک به اشغالشان آنلای!

فرمانده عالی کل قوا

مارشال احمد سوری

ای - استالین

فرماندار و ایشان دو امریکا

و اشتنکن انتقام بیدر ایشان

کمال آری فرانمانه ایشان ایشان

خانه مذا کرات روپول و چریک

و اشتنکن همیزه ایشان ایشان

شده که کمال آری کردند توییز کرد

دوز سه شهی ایشان ایشان

و دریز بیشه ایشان ایشان

همیزه ایشان ایشان ایشان

هشکر ایشان ایشان ایشان

که در ایشان ایشان ایشان

نطق معرفه‌های ادگار والاس معاون رئیس جمهور کشورهای متحده امریکا

کشورهای متحده آمریکا دارای

یکصد و سی میلیون جمیعت است مرکب از زن و مرد که تاب برای خانه دادن پایین چنگ آمده دارد.

تصمیم ضعیف است که به

سامی خود ادامه داده اخرين ضربت و بدن شکل داده و بتویش آن ماقبل

و بدن شکل داده و بکروز نوی برای آزادی خواهان تویی برای.

آزادی خواهان تویی برای.

این بیان چنگی است میان کرویه از مردم که میخواهند تمام عالم را اسلام

حلقه بکشند و گروه دیگری که

خود را به خواهان و نوشان آشنا

پیغواهند تمام عالم آشنا مانند

چنانکه آمریکا در سال ۱۸۶۲ با جمیعت

که صفت آزاد و نصف دیگری بنده

و برد پور تو است پرندگانی سیاسی

و اجتماعی خود ادامه دیده همچنین عالم

امروزی ما در سال ۱۹۴۲ باشد

این دشمنی را خانه داده و بکی از این

دو کروه بکروز دیگر استایلا یاده

درین موچ که آخرین برد

پالا میرود پیغواهند نیست که اینکار خواهد

و استیت که آزادی برای تو

مردم روش نکنم.

افکر آزادی - آن آزادی کما

هر کاپاها به حقیقت آن بی برده و از

نه دل دوستارش نشینیم - از ایام قدیم

دور کتب مقدس آسمانی تاکه شده است

پیمانان این اولین اشخاصی بودند

که حداثت اجتماعی را بیرونی های خود

و خط و توصیه نمودند ولی آنچه که

هادی های منهی درین زمینه اظهار

داشتند اهمیت سیاسی حاصل نکرد تا

اینکه یکمودی نیزه ای اعتماد داشت

که درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

قصت بزرگی آذانها نشان آن خواهد

خواهند و بلند نموده های ملی

و وجود نداشتهند که نویسان آنچه به

آموزش و پرورش پیدا خواهند مردند

غایتوانه کمال آزاد مانند مکر اینکه

از میث خود را خواهند و نکر کرد

و فرقه نویسان داشته باشند در سراسر

مالیاتی گذشت مردم امریکان و یکمودی

علی گردید اصول دو کراس موقعاً موقعاً

ست درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

ترقی و کیل پایه‌ای

پیش از این اتفاقی که نهادن

جذب و حرف کی کوش نی دهنده

پیاری های درونی و مقاومت از اسارت

مراجع نموده و در مطلب خود کافی

اصفای این اتفاقی از این است

که متعی و جاوزه و جوړی که

میست نازی روی یین هانا آین

زور و همین که از شیوه یعنون آمدند

دکرهای ملک التجاری پر که

پیاری های درونی و مقاومت از اسارت

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

کنسرت بزرگ شیر قی

پست مخصوصی میگردید که نهادن

و خارق العاده دارد و آن است که

پیش از این اتفاقی که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

میمیزه است یک ملت که شفعت خود

درین ایام موقعاً نیز اساسات نود

پنجه قلوبی بزیری شده بود.

پایان فاشیسم

غیر قابل اجتناب بود

اچتیاچن را پنهانه

به اذشاره ۵۶۰

مهده اکشنا بندی در آن گذرو

خود فرستاد آن بر طرف کردن فسادی

اگر ایطالیا از حیث مقادیر بندی

برد که در تمام درجات حریق فاشیسم

او اعلی ناداری حکمرانی داشت با آنکه

چندین باره مدت سه تقریبی مخفیانه

دو جنات هستند تقدیر منحصر ام به

دست آناتله لکن نیاوران نه بلکه

بیدی و وضع اداره سکوت و عدم اختیاری

است که این ترتیب در میان کشاورزان

و دهستانگان ایجاد گردد

با این از اشاره کنایه ای خارج شده بودند

خیلی زیادتر بود

پس این هشت و شصتار آن بر از

ساجان مثقال هم شانی کم بودند

زیرا ملتات هایی و زمامداران مقدی

بودند انتظامیانی که در برتو آنها

روسامین استند ذلکانی خود را بر این

بلکه در محل خوشی و آسایش ادامه

دهند و مرگونی و طبقه های میباشد

به کشم خود فشار آورند و گزینش میباشد

واضح و آشکارازند و در شبیان و

انداماتیکی بینظور آرام کردن غایی

عموی بدل میآمد هیشه کاساو کو زده

پرس اشخاص کوچک و آشکارازند و در شبیان

محلي خوب فلازهای ایضاً خود دست خالان

محل باریس سازمان چنانچه این دهد

و غیره زده و شکسته میشند

بنیان ایشانه خراج آثار از حرب

مصولاً مشروح تلدادیکر دلیل مختلف

بود چنانکه بخشی دلیل اینکه بند

آغاز ازدواج و در تیجه این

نمیتوان کسان دیگر نی توانت

پرند

از اوقات دیگری میتوان برج

و مرگ اتصادی ایطالیا طور منظم و مرتب

و با تولید کردن اطفال باندازه کافی از

دانسته میتوان تن این اینست که

میتوان تن آن از شارح وارد میباشد

در سورتیکه فلام هر قدر ایطالیا

باید در هر هفته قریباً یک کیلو گرم

نان قنات کند بنا برین گتم این بود که

زمین کجا میگردید و چنانچه این بود که

روج منبع و قست عده از غاییده اموری

خلاصی باشد

دشمن زیادی هم در نیروی ارتش

برای اینکه مکنون های مغلوب هایی بود

خود را از مانند کشیده کریان

درست مانند کشود که در مورد صفت

کیمکت از دست زیانی کشیده کرد

شیخ از جنگ صرف گند ایطالیا

پیشنهاد میباشد که در میان اینکه

که در اینکه میتوان کسان دیگر نی توانت

پرند

از مسکله قابل توجه است که همدم

وجاهت ملی مردم فاشیسم را نکواش

و آشکار بوده که در میان طرفداران

رسی حرب بدیدار نشانه ای اخواهی

از بکی از سازمان نیز خود را در

همضمن متفقی علیه تویزه

بدست احمد امدادی چنانچه این بود که

تویزه از این اینست که

تیزه از این اینست که